

## اعتراضات بازنشستگان یک اتفاق سیاسی مهم

شهلا دانشفر، صفحه ۲

### عباس دریس و توماج باید آزاد شوند



#### کارگران اورهال در نفت و استعمار حداکثری

منصور کارگر ارکان ثالث، صفحه ۳

#### اجلاسی رومانیک بر بستری پلشت

یاشار سهندي، صفحه ۵

#### کمپین صد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی صفحه ۹

#### تجمع بازنشستگان نامین اجتماعی در چندین شهر و یک خبر دیگر صفحه ۶

#### تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر، کارگران پتروشیمی دهلران، مراسم خاکسپاری

پیمان گلوانی و حکم دو سال حبس سپیده قلیان صفحه ۸

#### ۱۹ تیر و ۲۶ تیر: تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر صفحات ۶ و ۱۰

#### از مدیای اجتماعی:

عباس دریس کارگری که در خطر اعدام است

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، صفحه ۱۱

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت: گرمای تابستان و جهنم عسلویه:

اخطار ما به پیمانکاران مفتخور: صدای اعتراض ما را بشنوید، صفحه ۱۱

عباس دریس کارگر زندانی در خطر فوری اعدام قرار دارد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۲

محکومیت سارا سیاهپور عضو کانون صنفی معلمان به شش سال زندان

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۳

صدای اعتراض کارگران پشتیبانی، شرکتهای پیمانکاری

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، صفحه ۱۴

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۸۸

۲۶ تیر ۱۴۰۲

۱۷ ژوئیه ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

#### دو کارزار مهم

شهلا دانشفر، صفحه ۷

#### تبعیض جنسیتی و فاجعه

#### بیکاری زنان

شهلا دانشفر، صفحه ۴

#### توماج باید فوراً و بی قید

#### و شرط آزاد شود

صفحه ۲

#### تجمعات معلولین و

#### بازنشستگان نامین اجتماعی

#### در چندین شهر

صفحه ۱۲

#### اخباری از دستگیری ها و

#### همبستگی ها

#### کمپین برای آزادی کارگران

#### زندانی، از مدیای اجتماعی

صفحه ۳



معیشتی برای همه مردم تبدیل شده اند. بازنشستگان با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" فراخوانشان به اتحاد همه کارگران و همه بخش های بازنشستگان به اعتراض و پایان دادن به این بربریت است و این را با خواندن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی" در تجمعات خود بارها اعلام کرده اند. تجمعات بازنشستگان در دل شرایط انقلابی جامعه یک اتفاق سیاسی مهم است که همراه خود در شهرهای بسیاری تحرك مبارزاتی ایجاد کرده است. فریاد شعارهای "نگ ما، نگ ما وزیر الدنگ ما"، "نگ ما، نگ ما؛ صدا و سیمای ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "درمان رایگان، حق مسلم ماست"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست و بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض فضا و مضمون رادیکال اعتراضات بازنشستگان را بیان میکند. اعتراضات بازنشستگان با خواستها و فریاد های اعتراضی اش اتصال مستقیم به اعتراضات مردم در کل جامعه دارد. این اعتراضات توازن قوا را برای تجمعات سراسری اعتراضی بخش مختلف کارگری و شکل گیری تجمعات و اعتصابات سراسری فراهم تر میکند. از مبارزات بازنشستگان و خواستهای اعتراض آنها وسیعا حمایت کنیم و به صف اعتراض آنها بیونیدیم.

## اعتراضات بازنشستگان یک اتفاق سیاسی مهم

### شهلا دانشفر

بخش های مختلف بازنشستگان با تجمعات اعتراضی شان در شهرهای مختلف فضای سیاسی شهرها را متاثر کرده اند. اعتراضاتی که با شعار "اعتراض اعتراض، علیه ظلم و فساد" پیوستگی خود را به انقلاب زن زندگی آزادی فریاد میزند. و در جایی چون کرمانشاه معلمان بازنشسته با شعار "میزنم فریاد، هرچه بادا باد، وای از این طوفان وای از این بیداد" اولتیماتوم خود را اعلام میکند. تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در یکشنبه ۲۵ تیر ماه این هفته نقطه اوجی دیگر از این اعتراضات بود. در تهران در این روز جمعیت بزرگی در مقابل مجلس اسلامی جمع شدند و با فریاد گرانی تورم بلای جان مردم فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند. در رشت جمعیت قابل توجهی از زنان و مردان بازنشسته با شعاردهی های اعتراضی خود و راهپیمایی در مقابل تأمین اجتماعی صحنه با شکوهی از اعتراض را آفریدند. در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و لشکری در کنار یکدیگر تجمع کردند و پیشتر اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف بازنشستگان شدند. در اهواز و شوش نیز شاهد راهپیمایی بازنشستگان در وسط شهر بودیم. همینطور در روز بعدش دوشنبه ۲۶ تیر بازنشستگان مخابرات در هفت شهر تجمع داشتند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی یکشنبه ها، مخابرات دوشنبه ها و معلمان بازنشسته سه شنبه ها را به روزهای اعتراض خود تبدیل کرده اند و بعضا دامنه این تجمعات به پیش از ده شهر کشیده میشود. این اعتراضات در شوش و اهواز با راهپیمایی بازنشستگان در شهر و شعاردهی های اعتراضی علیه فقر و گرانی که موضوع اعتراض کل جامعه است، رنگ و چهره دیگری به این شهرها داده است. در این تجمعات بازنشستگان با شعار های "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" به الگویی از مبارزه و تداوم اعتراض علیه وضعیت اسفناک

## توماج باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شود

وکیل توماج صالحی گفته است که «توماج در دادگاه بدوی به اتهام فساد فی الارض به شش سال و سه ماه حبس محکوم شده و از اتهامات توهین به بنیانگذار انقلاب و رهبری و ارتباط با دول متخاصم تبرئه شده است». «طبق گفته این وکیل، توماج که از هشتم آبان ۱۴۰۱ در انفرادی به سر برده است به بند عمومی زندان منتقل شده است.

جرم توماج این است که در شعرهایش به فساد در نظام و زندان و شکنجه و اعدام و فقر و محرومیت مردم پرداخته است. جرمی! که او را به خواننده ای محبوب در میان مردم و به یک هنرمند شناخته شده در سطح جهان تبدیل کرده است.

از روز ۱۱ تیرماه که دادگاه دوم توماج او را به افساد فی الارض متهم کرده بود، اعتراضات گسترده ای در داخل و خارج کشور سازمان داده شد. این اعتراضات را باید برای آزادی توماج و همینطور عباس دریس که به افساد فی الارض محکوم شده ادامه داد و آنها را از چنگال حکومت نجات داد.

اعتراض به حکومت جنایتکاران حق بی چون و چرای مردم است. این جنایتکاران حاکمند که باید به محاکمه کشیده شوند و به محاکمه کشیده خواهند شد. اینرا تداوم



انقلاب زن زندگی آزادی تضمین خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ تیر ۱۴۰۲، ۱۰ جولای ۲۰۲۳

## پیش بسوی اعتصابات سراسری!



کاری سخت و پر مشقت که طبق هیچ فرمول و قانونی با دریافتی اش همخوانی نداشته و به در بدن جان سالم از آن به خودی خود برایش یک موفقیت محسوب می‌گردد.

اغراق آمیز نیست که عنوان شود، در میان کارهای سخت و طاقت فرسای اورهال، اموری به این کارگران تحمیل می‌شود که از ضریب خطرات بالاتری برخوردارند و عملاً بازی با جان یک انسان است و جبران ناپذیرند. نبود ابزار کار و ماتریال استاندارد و بهانه کردن شرایط تحریمهای اقتصادی برای سرباز زدن از انجام کوچکترین هزینه ای برای ایمن کردن محیطهای کار، در این جا هم نمایان است. در بسیاری موارد انسان جایگزین ابزار است یا تاوان دوباره کاریهای نبود ماتریال مناسب و کاربردی را میدهد! جان کارگر اورهالی از شروع کار تا پایان آن در خطر و دقیقاً بسته به شانس و اما و اگرها است. زیرا از لحاظ استانداردها و شرایط ایمن، محیط کار در مناطق نفتی آنچنان بحرانی است که به نظر میرسد در ازای اجتناب ناپذیر بودن اورهال صنایع همه چیز در اولویت است جز جان انسانها! وضعیتی که متأسفانه در تعاریف خط و مشی کاری وزارت نفت، تلفات آن هم در نظر گرفته شده است. هرچند که تا کنون همه پرونده های اتفاقات این چنینی ضمن کار را با ترتیبات امنیتی و حفاظتی به ضرر کارگر و به سود کارفرما بصورت فرمال مختومه نموده و در بهترین حالت با حداقل خسارت به خانواده کارگر به انتها رسانیده اند!

بعلاوه اینکه مطابق با الزامات بوروکراسی نفت ورود و نظارت هر ارگان و نهاد بازرسی داخلی و خارجی به این حیطه از کار خط قرمز نظام امن تولید سرمایه، است! یعنی نظارتی در کار نیست.

این آن شرایط دردناک کاری در جامعه سرمایه داری و مرجع اسلامی جهان سومی است که تدوین کنندگان قوانین، مجریان آن و صاحبان قدرت و سرمایه همگی سر در یک آخور دارند و خون طبقه کارگر و مزد بگیر جامعه را در شیشه کرده اند. جان و مال کارگر را به بازی گرفته اند و در تضمین شرایط امن تولید و سرمایه با بهره گیری از همه تعاریف ضد انسانی، با امکانات قدرت و ماشین سرکوبی که در اختیار دارند چوب حراج به هستی انسانهای تحت ستم میزنند.

اورهال این چرخه درد و رنجی که هر ساله بر طبقه کارگر در صنعت نفت تحمیل می‌شود، با وجود تاخیر همیشگی در پرداخت مزد، بیشتر از آن که مسبب معیشت و مزد کارگر باشد، عاملی است در تهدید جان او. تهدیدی ساخته و پرداخته قوانین بی رحم بوروکراسی سرمایه داری نفت که هیچ شأن و منزلتی بر کارگر قائل نیست و همواره کوچکترین اعتراض کارگران فصلی را با اخراج قطعی و آبی پاسخ داده و صدایش را فوراً در گلو خفه میکنند.

هرچند در ادوار مختلف، بخصوص در سالهای اخیر که تابو شکنی رسم رایج جامعه معترض و مشخصاً طبقه کارگر بوده است، اعتصابات کارگران فصلی را شاهد بوده ایم، اما دست باز پیمانکاران از بابت جایگزینی فوری این کارگران موقت باعث گردیده تا این اعتصابات شکننده و مطالبات کارگران پاسخ نگیرد!

فرصتی طلایی و غیر انسانی برای پیمانکاران در استثمار هرچه بیشتر این بخش از

## کارگران اورهال در نفت و استثمار حداکثری

### منصور کارگر ارکان ثالث

استثمار و بهره کشی از نیروی کار در ایران و از جمله در مراکز نفتی بی حد و بی مرز است. این ستم و بردگی با وجود همه جزئیات نا گفته ای که درون خود دارد در قبال کارگران مستمر پروژه های نفت و گاز، کارگران ارکان ثالث و به شیوه بسیار غیر انسانی تری در قبال کارگران فصلی و موقت انجام میگیرد. نگاهی به وضعیت این بخش از کارگران نفت داشته باشیم.

#### کارگران اورهالی!

اورهال به تعمیرات سالیانه می گویند. یا تعمیرات اساسی که برای انجام آن پالایشگاه برای مدتی از مدار تولید خارج میشوند. کارگران اورهال نیز به کارگران فصلی و موقت استخدامی گفته میشود که طول عمر استخدام آنها برابر است با مدت زمان اجرای اورهال در هر کدام از پروژه های نفتی، که توسط پیمانکاران مجری پروژه انجام میپذیرد!

طول عمر کار این کارگران بسته به مدت زمان اورهال، بعضاً از چند روز تا حداکثر یک ماه یا کمی بیشتر متغیر است و در صورت حضور کارگر داوطلب کار اورهال، کنسلی کار یا افزایش طول زمان اورهال در قرارداد ثابت او تأثیر ندارد و تمامی هزینه های رفت و آمد او از محل زندگی به منطقه عملیاتی با خود کارگر است. علاوه بر آن همه هزینه های بدو استخدام موقت، مانند: آزمایشهای تشخیص سلامت جسمانی، عدم اعتیاد، عدم پیشینه کیفری و... بعهدده و هزینه شخصی کارگر بوده و مادامی که نسبت به ارائه آن به واحد اداری عملیاتی اقدام نکند، به کار گرفته نخواهد شد.

پروسه ای کاملاً غیر عادلانه که در صورت کنسلی عملیات اورهال، تمامی هزینه های مذکور سوخت شده و متضرر آن کارگری است که بعضاً از دور افتاده ترین مناطق کشور، با وجود هزینه های تحمیلی، برای لقمه نانی مشقات دوری راه و هزینه ها را به جان میخورد!

تلاش برای لقمه نانی در ازای خطرات جانی ورهال به امید مرحمت و لطف صاحبان قدرت، که عمدتاً به نتیجه نمی رسد یا برابر با هزینه های مصروف او بجز تهدیدات جانی، بازگشتی از لحاظ مالی برایش در پی ندارد!

حال، چنانچه همه شرایط تحت روال و مساعد حضور کارگر در اورهال پیش برود، دغدغه های اصلی او پابرجاست. غیر انسانی ترین امکانات رفاهی، غذای نامطبوع و ناکافی، آب آشامیدنی غیر بهداشتی، خوابگاههایی که بواسطه موقت بودن و شرایط جاگیری یکباره تعداد زیادی از کارگران موقت به هیچ عنوان از استاندارد لازم برخوردار نیستند، موقعیت خواب و استراحت غیر مناسب در کمترین فضا، سرویس بهداشتی و حمام به تعداد ناکافی و نا مناسب و... همگی شروع جنگ روانی کارگر در این مراکز کاری است. بویژه ساعات استراحت کارگر و آمادگی او برای بازگشت به کار بسیار تعیین کننده است. اما کارگر در خوابگاه نه تنها شرایط استراحت ندارد، بلکه این وضعیت موجب دغدغه بیشتر او برای خواب، استراحت و حتی استفاده از امکانات عمومی شده است. از جمله کمبود و غیر استاندارد بودن امکانات عمومی از جمله دستشویی ها و توالت ها و فشار جمعیتی از کارگران خسته که همگی در پی آن هستند که هرچه زودتر از این امکانات استفاده کنند تا از زمان استراحت کافی بهره مند شوند یک مشکل جدی این کارگران است.

پس از پشت سر گذاشتن همه این مسائل که کارگر خود میبایست مشکلاتش را حل نماید، با همه نارضیاتی های موجود او میبایست تمام و کمال تن به کاری دهد که خود پذیرفته است!



البته این داستان زندگی زنان در ۴۴ سال حاکمیت این رژیم و جدال هر روزه آنها و کل جامعه با این حکومت است. حکومتی که با پرچم حجاب، با جداسازی جنسیتی و با قوانین ارتجاعی اسلامی تلاشش جمع کردن زنان از صحنه جامعه و تبدیل آنان به برده جنسی و نفقه بگیر مرد است. در این جدال زنان توانسته اند گام به گام قوانین ارتجاعی حکومت را عقب بزنند و دیوارهای آپارتاید جنسی را در هم بشکنند. جدالی که برنده آن زنان بوده و رنگی زنانه به انقلاب زن زندگی آزادی داده اند. انقلابی که میخواهد به کل این بساط جهنمی خاتمه دهد. انقلابی که حاصلش رنسانس فکری، سیاسی و فرهنگی بزرگی در جامعه خواهد بود و تا اینجا نگاه جامعه به زن را دگرگون کرده است. انقلابی که جامعه را شخم میزند و به جلو گام بر میدارد. انقلابی که اولین اقدامش پایین کشیدن حجاب این پرچم خونین آپارتاید جنسی و برقراری تمام و کمال برابری زن و مرد در تمامی شئون زندگی اجتماعی است. برگرفته از ژورنال شماره ۴۷۲

## تبعیض جنسیتی و فاجعه بیکاری زنان

شهلا دانشفر

آمارها از ابعاد وحشتناک بیکاری در میان زنان سخن میگویند. بر اساس گزارش مرکز آمار جمهوری اسلامی در بهار ۱۴۰۲ نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت زنان بالای ۱۵ سال ۱۴/۱ درصد و مردان ۶۸/۳ درصد است. در این گزارش جمعیت زنان مطابق با شاخصهای نیروی کار ۳۲ میلیون و ۱۷۰ هزار و ۷۵۳ نفر و جمعیت مردان ۳۲ میلیون و ۹۵ هزار و ۷۷۶ نفر گزارش شده است. اگر چه همین آمارها نیز مهندسی شده و بطور واقعی عمق فاجعه بیکاری در میان زنان و اساسا در کل جامعه را بیان نمیکند.

همین ارقام نیز نشانگر گوشه دیگری از فاجعه تبعیض جنسیتی علیه زنان بعنوان یکی از بروزات وحشتناک حاکمیت آپارتاید جنسی در قبال زندگی و معیشت زنان و کل جامعه است. حکومتی که مهمترین و اصلی ترین وظیفه زن را شوهرداری و بچه داری دانسته و سخن هر روزه حکومتیان از جمله خامنه ای در خطبه هایشان است. طبق قوانین ارتجاعی اسلامی حاکم نیز زن نفقه بگیر مرد است. قانونی خدادادی که در شرایط ورشکستگی اقتصادی حکومت و تشدید بحران بیکاری اولین قربانیان خود را از زنان میگیرد.

در پرتو چنین قوانینی بیکاری، و وضعیت بشدت وخیم اقتصادی، زندگی بخش عظیمی از زنان در جامعه را به حدی فاجعه تکاندهنده و خطرناک در آورده است. بویژه با رشد گرانی و تورم و با سطح نازل دستمزدها، بیکاری زنان فشار اقتصادی سنگینی نیز بر کرده جامعه است.



از صفحه ۳

## کارگران اورهال در نفت و ...

کارگران!

چرخه درناک اورهال در این بخش با کار کارگران فصلی جاریست و کارگران فصلی هر ساله از سر نیاز به آن تن داده اند. نیرویی که قدرت دارد و با هر اعتراض و اعتصابی میتواند اخلالی جدی در بازگشت صنایع نفت به جریان تولید شود و ضرری جدی بر سودبری صاحبان سرمایه وارد کند. قدرتی که میتواند به راحتی با انسجام و اتحاد در تغییر شرایط مزدی، معیشتی و کل وضعیت کاری اورهال تاثیر گذار بوده و برای همیشه در تغییر شکل اجرای آن مؤثر واقع گردد. اما عدم انسجام و سازمانیافتگی کارگر و فشار روزانه زندگی مانع وارد میدان شدن این قدرت بالفعل به اعتراض و در نتیجه تداوم این شرایط تحمیلی بر کارگران شده است.

این چنین است که اورهال این چرخه بی پایان و متضمن حیات صنعت نفت، بقای خود را از قوانین استثماری سرمایه داری حاکم میگیرد و با خون کارگران ارکان ثالثی و کارگران فصلی به حیات خود ادامه میدهد. همانطور که اشاره شد طلایه هایی از اعتراض و به میدان آمدن کارگران برای نقد کردن حق و حقوقشان را در سالهای اخیر شاهد بوده ایم. انقلاب زن زندگی آزادی نیز جامعه را شخم زد و لرزه ای بر بدن حکومت سرمایه داری وحشی حاکم ایجاد کرد. بنابراین امروز در دل یک جامعه پر التهاب از مبارزه توازن قوا بیش از پیش برای اعتراض ما کارگران مهیا است. در این شرایط میشود مشکل شد. میشود بر سر خواسته های فوری خود متحد شد و میشود با اعتصابات قدرتمند خود و بستن گلوگاه سرمایه داران جلوی تعرضات و زورگویی هایشان را گرفت. از جمله میشود برای گرفتن حق و حقوق خود اولتیماتوم به اعتصاب داد. و در گام اول خواستار بهبودی فوری در شرایط کاری و معیشتی خود شد. باید محیط های کار فوراً امن شوند. باید حقوق کارگر متناسب با رشد نجومی تورم افزایش یابد و کارگران تامین داشته باشند و از بیمه های اجتماعی چون درمان و نیز تحصیل رایگان برای فرزندان خود برخوردار باشند.

و باید خوابگاههای کارگر و اماکن عمومی در حد قابل قبول و انسانی ای بهبود یابد. تحمیل هر کدام از این خواستها ضربه ای بر سودجویی سرمایه داران مفتخور است. تحمیل هر کدام از این خواستها نشانی از قدرت ما کارگران است. باید صف اعتراض خود را شکل دهیم. با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضاتمان صف خود را متحد و همبسته کنیم. و بدینگونه بسوی اعتصابات سراسری خیز برداریم. باید به کل این بساط توخس و بردگی سرمایه داری خاتمه داد.

باشد که جنبش کارگری در شرایط اعتراضی جامعه به درجه ای از آگاهی و اتحاد و همبستگی دست یابد تا هر چه سریعتر بساط یک چنین پدیده های زاینده سیستم امن نظام سرمایه داری و بساط همیشگی استثمار و زورگویی و چپاول برچیده شود و طبقه کارگر با برافراشته کردن پرچم مبارزاتی خود در صفوف بهم پیوسته و قدرتمند، خود و کل جامعه را از جهنم سرمایه داری حاکم رها سازد. برقرار باد جنبش کارگری، برقرار باد نظامی مبتنی بر ارزش و جودی انسان ها.



## اجلاس رومانتیک بر بستری پلشت

یاشار سهندی

تا همین هفته پیش کمتر کسی خبر داشت که علاوه بر "مجمع جهانی اقتصادی" که همه ساله در شروع فصل زمستان در دهکده "داووس" سوئیس برگزار می‌شود و مدعوین آن با لباس رسمی و کت و شلوار و کت و دامپ، حضور بهم می‌رسانند که با هم مشاوره کنند، چگونه میتوان اقتصاد جهان را سازمان داد که "بصرفد"، اجلاس تابستانه این اجلاس را هم داریم. با این تفاوت اگر در داووس شرکت کنندگان عصا قورت داده حضور می‌یابند، در اجلاس تابستانه با "مایو، تی شرت و شلوارک" حضور به هم می‌رسانند.

این همه به همت جناب "سیر ریچارد برانسون، مدیر و بنیان‌گذار ۷۲ ساله گروه شرکت‌های ۴۰۰ گانه "ویرجین" است که در زمینه‌های متنوعی، از جمله خطوط هوایی، سفرهای فضایی و ارتباطات فعال است، صورت گرفته است. به گزارش سایت ایران وایر: "محل دیدار در یکی از لوکس‌ترین جزایر جهان با آب و هوایی گرم و دلپذیر واقع در بخش شرقی جزایر ویرجین بریتانیا قرار دارد. که در یک قلمرو برون مرزی این کشور در جنوب اقیانوس اطلس و شمال شرقی دریای کارائیب و در حدود هزار و ۸۰۰ کیلومتری جنوب شرقی میامی قرار گرفته است. نام این جزیره نیکر است... مهمانان حاضر در برنامه نکر، ۷۴ هکتار جزیره خصوصی با آب‌های فیروزه‌ای اطراف و سواحل شنی سفید را کاوش می‌کنند، به استراحت می‌پردازند، فرصت مرتب‌تر کردن ذهن دارند و می‌توانند با دیگر مهمانان، یک کوکتل در ساحل بنوشند یا در حال استفاده از جکوزی و تماشای مناظر طبیعی جزیره، ایده‌های خود را تبادل کنند و حتی برای اجرای ایده خود، سرمایه‌گذار بیابند. آنچه که سایت مذکور "ماجراجویی" در جزیره نیکر می‌نامد، به قول جناب ریچارد برانسون "بهترین راه برای شعله‌ور کردن اشتیاق این است که در اطراف شعله‌های آتش دیگران باشید. این ماهیت جامعه گروه تاثیرگذار است؛ فرصتی برای نوآوران، خالقان و محرکان هم‌فکر جهان برای اتصال و به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، علائق و برنامه‌ها." چه تصویر رومانتیکی از رویاهای پلشت استعمارگران.

این جزیره مکانی است که هر ساله سرمایه داران، (البته این واژه "سرمایه داران" بیش از حد خشن و نشانه خیلی چیزهای کریه در دنیای کنونی است؛) آنجا جمع میشوند. و روایت تلطیف شده این جمع شدن این است که آنجا جایی برای دور هم جمع شدن "شبکه مدیران و کارآفرینان" برای ارتباطات گسترده و بدست آوردن فرصتی برای رسیدن به "سود" است. این ادعای نویسنده این یادداشت نیست، سایت ایران وایر با شغف زیاد بر آن تاکید دارد: "همه تصمیم‌های سرنوشت‌ساز ضروری پشت درهای بسته و جلسات مقام‌های سیاسی و دولتی گرفته نمی‌شوند بلکه در مجامع دیگری هم چهره‌های موثر غیردولتی و دولتی را تشویق به تماس و شبکه‌سازی و ارتباطات گسترده با یک‌دیگر می‌کنند. البته در ازای این فرصتی که می‌سازند، هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود را با سود بر می‌گردانند." بله! در یکی از لوکس‌ترین جزایر جهان با آب و هوایی گرم و دلپذیر، وقت را به بطالت تلف نمی‌کنند. شبکه مدیران و کارآفرینان ضمن رفع خستگی، و تنی به آب زدن و پیکن بالا رفتن و ذهن را مرتب کردن، بر سر مهمترین مسئله جهان معاصر یعنی سود مذاکره میکنند.

دلیل اینکه یکباره این اجلاس تابستانه بر سر تصمیم سازی چگونگی استثمار و تضمین سود بیشتر، خبرش در رسانه‌های فارسی زبان بورژوازی برجسته شده این است که، شاهزاده بورس باز ما نیز امسال در این مهمانی رویایی حضور یافته‌اند و تا به "چهره‌های تاثیرگذار بخش خصوصی" اطمینان دهند که در ایران فردای بعد از جمهوری اسلامی "مملو" از فرصت سرمایه‌گذاری و "توسعه دوباره"، یعنی فرصت در اختیار داشتن کارگر ارزان در سطح وسیع فراهم است.

چهره‌های تاثیرگذار یکبار به صورت رسمی و دولتی در زمستان، یکبار هم در تابستان به صورت خیلی شنگولانه جمع میشوند تا چگونگی فراهم کردن فرصت کسب سود و استفاده از این فرصت، بحث و تبادل نظر کنند. البته تنها این دو اجلاس فصلی نیست، بلکه هفته و ماهی نیست که این شخصیتها با عناوین متفاوت دور هم جمع نشوند: جی ۸، جی بیست، اجلاس شانگهای، اجلاس منطقه ای کشورهای حاشیه ای اقیانوس آرام، ناتو، اجلاس کشورهای اسلامی، کنفرانس امنیتی مونیخ و... در این میان تنها یک فرصت هم را ظاهراً برای کارگران فراهم کرده‌اند، "اجلاس بین المللی کار"، که در آنجا باز هم این دولتمردان سازمانده استعمار و تضمین سود بیشتر امکان "تصمیم سازی" دارند تا کارگران.

از سوی دیگر اگر کارگران در هر گوشه این کره خاکی به خود جرات دهند و بخواهند حرفشان را بزنند و عموماً مجبورند به شکل اعتصاب آنرا بیان کنند "رهبران سیاسی، مدیران اقتصادی، کارآفرینان و چهره‌های موفق در موضوعات مختلف" بی هیچ شک و تردیدی چشم به بازوان مسلح نظامی و امنیتی خود دارند، تا بساط "آشوبگران" را جمع کنند. در دنیای معاصر هیچ اجلاس جهانی‌ای حتی محلی برای آن بخش از جامعه که ثروت جامعه را تولید میکند وجود ندارد و فرصت و اجازه برگزاری آنرا هم ندارند. اکثریت جامعه با اجبار فروش نیروی کار خود، شرایطی را فراهم آورده که بنا به گزارش مجله فوربس در سالهای گذشته، ۸۵ نفر به اندازه ۳.۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان، ثروت جهان را در اختیار داشته باشند. و اگر تنها یک سوال کوچک پرسید که چرا باید اینگونه باشد؟ به کمترین چیزی که متهم خواهید شد خشونت طلبی است.

از سوس دیگر، "تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است." که اکنون در ایران این امر بیش از هر زمانی دیگر ممکن شده است. در ایران شرایط به گونه ای دارد پیش میرود که "ایران آینده"، مملو از فرصتهایی میشود که آن بخش از جامعه که همیشه ندید گرفته شده‌اند میتوانند حرفشان را بزنند و از آن بیشتر اراده خود را جاری سازند و نشان دهند که زندگی دیگری ممکن است. این را نه شرکت کنندگان اتو کشیده اجلاس داووس و نه ماجراجویان جزیره نیکر باور ندارند. ناباوری شان به دلیل اطمینان به نیروهای مخوف امنیتی است. برده داران رم باستان هم فکر نمی‌کردند روزی خواهد رسید که هیچ راهی به رم ختم نشود، اما اینگونه شد و برده داران ناباور اکنون در دل تاریخ دفن شده‌اند.

شرکت کنندگان در اجلاسهای تابستانه و زمستانه و ماهانه تنها تاثیر موثری که بر جهان داشته‌اند این بوده که با سرعت عجیبی در تلاش برای رسیدن به سود، اصل حیات کنونی را روی کره زمین تهدید به نابودی کرده‌اند، اما روزنه‌ای هم هست که میشود و باید این شرایط را تغییر داد و در ایران کنونی بیش از هر جای دیگر این فرصت فراهم است. نیروی چپ اجتماعی که به همراه نیروی متحزب کمونیستی قوی در تلاش و مبارزه است تا این را ثابت کند که میشود زندگی را پس گرفت، و باید پس گرفت. با این باور که شادی همگانی در پرتو تلاش همگانی برای یک دنیای بهتر شدنی است.

## تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر و یک خبر دیگر



جسمی مصدوم و برای درمان به بیمارستان پور سینای رشت انتقال پیدا کرد و هنوز از وضعیت جسمی اش خبری در دست نیست.

حزب کمونیست کارگری جانباختن رحمان قربان زاده را به خانواده وی و همکارانش تسلیت میگوید. کارگران مسببین این جنایت آشکار را می شناسند و اعتراض امروز آنها علیه این وضعیت نا بسامان محیط های کاری است که هر روزه دارد قربانی میگیرد. مراسم گرامیداشت رحمان قربان زاده را باید به صحنه دادخواهی علیه این جنایت آشکار صاحبان سرمایه و اعتراض به نا امنی محیط کار که مسبب اصلی آن حکومت است، تبدیل کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ تیر ۱۴۰۲، ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۳

### تجمعات بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراض

امروز ۲۶ تیر بازنشستگان مخابرات بار دیگر در چندین شهر در اعتراض به فقر، گرانی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به ستاد اجرایی فرمان امام و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. این تجمعات در شهرهایی چون کرمانشاه، سنندج، رشت، ساری، ارومیه، اهواز و مشهد برگزار شد. در این روز بازنشستگان مخابرات در شهرهای ارومیه و اهواز راهپیمایی کردند و شعار دادند.

بازنشستگان شعار میدادند: "گرانی تورم بلای جان ما شد"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم هر روز همین بساط است"، و "مخابرات حیا کن، حق ما و ادا کن".

بازنشستگان به گرانی کمر شکن و فقر و وضع بد معیشتی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" اعتراض دارند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، و درمان رایگان دو خواست فوری بازنشستگان مخابرات است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ تیر ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۳

خواسته های اعلام شده این کارگران است. بازنشستگان تامین اجتماعی همچنین به مصوبه مزدی شورای عالی کار و برنامه توسعه هفتم که تعرضی به معیشت کارگران و کل جامعه است اعتراض دارند.

در این روز همچنین بازنشستگان صنایع فولاد در مقابل صندوق فولاد در این شهر تجمع کردند و خواستار اجرای هر چه سریعتر همسانسازی، درمان رایگان و حقوق برابر با سبد معیشت و دیگر مطالبات اعلام شده خود شدند.

حرکت اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران مجتمع فولاد گیلان در پی مرگ یک کارگر در اثر ناامنی محیط کار و تبعیض علیه پرسنل انجام گرفت. کارگران اعلام کرده اند که اگر به وضعیت اسفناک معیشتی و کاری آنها رسیدگی نشود دست از کار کشیده و بسمت استانداری راهپیمایی میکنند. بنا بر خبر روز شنبه ۲۴ تیر دو کارگر شاغل در بخش عمران کارخانه فولاد گیلان حین انجام کار دچار سانحه شده و در مخزن شش متری روغن سقوط کردند. هر دو کارگر از تکسین های با تجربه بخش عمران کارخانه بودند که حین کار با ریزش ناگهانی بتن روی سرشان از ارتفاع به داخل چاله روغن سقوط کردند و بلافاصله یکی از آنها به اسم رحمان قربان زاده جان خود را از دست داد و دیگری با وضعیت وخیم

امروز یکشنبه ۲۵ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود مثل یکشنبه های گذشته دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در این روز در شهرهایی چون کرمانشاه، شوش و اهواز برگزار شد. در شوش بازنشستگان شوش و کرخه و هفت تپه گرد آمده بودند و در شهر راهپیمایی کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون"، "تورم گرانی بلای جان مردم"، "خواست ما حقوق طبق تورم"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "کشتی بازنشسته دیگر به گل نشسته"، "کشوری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، و "بازنشسته پیاخیز، علیه فقر و تبعیض". در شوش کارگران با خواندن سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی عزم خود را برای تداوم مبارزاتشان تا رسیدن به حق و حقوق خود اعلام داشتند.

بازنشستگان تامین اجتماعی اعلام کرده اند که تا وقتی خواسته هایشان پاسخ نگیرد به تجمعات شان ادامه میدهند و یکشنبه ها را به روز اعتراض هفتگی خود تبدیل کرده اند. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها از جمله



شهلا دانشفر

حبس محکوم شده و از بند انفرادی به بند عمومی منتقل شده است. در همین خیر ویکیش از تیره شدن توماج از اتهاماتی چون توهین به "بنیان‌گذار انقلاب و رهبری" و "ارتباط با دول متخاصم" گزارش داد. همانطور که اشاره شد این خبر تا همین جا یک عقب نشینی از سوی دستگاه قضایی جنایتکار جمهوری اسلامی است و بیش از پیش به مردم روحیه و قدرت بخشیده و بطور واقعی جنبش برای

آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام را گام مهمی به جلو برده است. در ادامه این موفقیت امروز مردم با هشتگ رپ جرم نیست بر آزادی فوری و بدون قید و شرط توماج صالحی تاکید دارند. در سطح بین‌المللی نیز اعتراضات برای آزادی او ادامه دارد. از جمله انجمن قلم آمریکا حکم ۶ سال حبس برای توماج صالحی را محکوم کرده و آن را نمونه بارز اقدامات وحشیانه مقامات ج.ا. دانست و خواستار آزادی فوری این هنرمند شد. این انجمن ضمن اشاره به نیاز فوری توماج به درمان به دلیل شکنجه‌های شدید جسمی، در مورد وضعیت امنیت و آسایش توماج با وجود انتقال به بند عمومی اظهار نگرانی کرد.

اما فراتر از این، این پیشروها مردم را به قدرت خود برای نجات جان عباس دریس این شاهد کشتار رژیم در نيزارهای ماهشهر، واقف تر کرده است. از جمله شورای بازنشستگان ایران مینویسد: "همان کارزاری که برای توماج راه اندازی شد برای عباس دریس هم بکار ببریم، یادمان نرود عباس در خطر جدی اعدام است".

همچنین حمایت از عباس دریس به عنوان شاهد کشتار رژیم با هشتگ #نيزارهای\_ماهشهر در مدیای اجتماعی موج میزند. سهیل عربی از زندانیان سیاسی که خود سالها زیر خطر اعدام بود و در نتیجه کارزاری جهانی از خطر مرگ رها شد در پاسخ به پیام سه فرزند عباس دریس که از همگان خواستار حمایت از پدرشان شده اند مینویسد: "هنوز فرصت داریم! هنوز فرصت داریم که جان یک انسان را نجات دهیم.

هنوز فرصت داریم جان عباس دریس را نجات دهیم، هنوز فرصت داریم فرزندان را از فاجعه ای دیگر نجات دهیم، فرزندان که مادرشان را از دست دادند... هنوز می توانیم یک انسان و یک خانواده را نجات دهیم و در نتیجه به خودمان کمک کرده ایم، زیرا تمام جامعه را از آسیب‌های اعدام نجات داده ایم. برخیزیم، برخیزیم. هنگام قیام علیه اعدام و شکنجه است".

این چنین است که کارزار برای نجات جان عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و کارزار برای آزادی توماج صالحی صدای انقلاب زن زندگی آزادی به هم پیوند دارند و جایگاهی مهم علیه اعدام و برای تداوم انقلاب پیدا کرده اند. دو کارزار مهمی که فراخوان آن قیام علیه اعدام و شکنجه و زندان است. با تمام قدرت به این دو کارزار بپیوندیم و به نجات جان عباس دریس بشتابیم و یکصدا خواهان آزادی کامل توماج باشیم. (برگرفته از انترناسیونال ۱۰۳۳)

### عباس دریس و توماج باید آزاد شوند



## دو کارزار مهم

عباس دریس و توماج باید آزاد شوند. حمایت از عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش آبان ۹۸ در ماهشهر و توماج صالحی خواننده محبوب مردمی که نمادی از صدای اعتراض مردم در کف خیابان است، دو کارزار سراسری و شاخص مردمی است. دو کارزار مهم علیه زندان و شکنجه و اعدام که بطور واقعی پیوستگی خیزش آبان به انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش میگذارد. دو زندانی سیاسی که پرونده سازی علیه آنان به دو عرصه زورآزمایی حکومت با مردم تبدیل شده است.

حکومت آدمکش اسلامی حکم اعدام عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ را تایید کرده و خطر مرگ این انسان معترض و زحمتکش را تهدید میکند. پرونده او مربوط به کشتار بی رحمانه دهها نفر از معترضین توسط سرکوبگران حکومت در نيزار ماهشهر در سال ۹۸ است. عباس دریس در سال ۹۸ به همراه برادرش محسن دستگیر شد.

سال ۹۸ ماهشهر در کنار دهها شهر و منطقه دگیر کانون داغ اعتراضات مردمی بود. دامنه اعتراضات ماهشهر به پتروشیمی ماهشهر و کامیونهای حمل باز از این مرکز نفتی نیز کشیده شد و حکومت بشدت وحشت کرده بود. از اینرو با طراحی قاسم سلیمانی جلاد، معترضین با سلاحهای جنگی با بی رحمی تمام در نيزارهای ماهشهر به رگبار بسته شدند و شمار بسیاری در دم جان باختند. این جنایت کل جامعه و دنیا را تکان داد.

عباس از شاهدین این جنایت در ماهشهر است. عباس دریس و شماری از معترضین ماهشهر در جریان این جنایت وحشیانه بازداشت شدند و بعد عباس در زیر شکنجه های فراوان ناچار شد علیه خود در خصوص تیراندازی به نیروی انتظامی حکومت، اعترافات تلویزیونی انجام دهد. سپس او با همین پرونده سازی کاذب با اتهاماتی واهی همچون "محاربه، اخلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو" به اعدام محکوم گردید. رویداد تکان دهنده و تاسف انگیزتر این بود که کفایه حزباوی، همسر عباس وقتی خبر حکم اعدام عباس را شنید دچار سکنه مغزی شد و مدتی بعد درگذشت. بدینگونه حکومت اسلامی جنایتی دیگر در قبال همسر عباس دریس مرتکب شد. سه کودک خردسال آنها اکنون بدون پدر و مادر توسط مادر سالخورده عباس نگهداری میشوند.

سرنوشت عباس دریس و خانواده اش یک تراژدی انسانی و بسیار تکاندهنده است. سرنوشت او نمونه ای بارز از جنایات حکومت است.

عباس دریس بیست سال کارگر اداره برق ماهشهر بود و بدلیل اخراج از کار به دستفروشی پرداخت. فرزندان او و مادر عباس اخیرا در ویدئویی خطاب به مردم از کذب بودن اعترافات که از عباس در زیر شکنجه گرفته شده سخن میگویند و از همگان طلب حمایت و پشتیبانی کرده اند. باید جهانی به حمایت از عباس دریس شتافت.

بدنبال کارزار قدرتمندی که در حمایت از توماج صالحی به راه افتاد و اولین پیشرویش عقب نشینی حکومت از اتهامات منتسب به توماج و اعلام سراسیمه حکم شش سال و سه ماه حبس برای توماج، امروز در موقعیت بسیار قدرتمند تری قرار داریم که هم به کارزار برای آزادی توماج این خواننده محبوب که نمادی از انقلاب زن زندگی آزادی است، ادامه دهیم و هم عباس دریس را از اعدام و خطر مرگ نجات دهیم.

همه دیدیم که از روز ۱۱ تیرماه که دادگاه دوم توماج صالحی تشکیل شد و او با اتهام افساد فی الارض در خطر مرگ قرار داشت، مردم که توماج را فریاد اعتراض خود می دانند چگونه با کارزاری جهانی به حمایتش شتافتند. قدرت این کارزار به حدی بود که یک هفته بعدش در نوزدهم تیرماه رزا اعتماد انصاری وکیل توماج اعلام کرد که موکلش در دادگاه انقلاب تهران به اتهام افساد فی الارض به شش سال و سه ماه

## تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر، کارگران پتروشیمی دهلران، مراسم خاکسپاری پیمان گلوانی و حکم دو سال حبس سپیده قلیان



روز ۲۰ تیر بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در ادامه سه شنبه های اعتراض خود علیه فقر و گرانی و پیگیری خواستههایشان، دست به تجمع و اعتراض زدند. این اعتراضات و تجمعات بنا به گزارشات تانکونی در شهرهای سنج، کرج، یزد، اردبیل، کرمانشاه، ممسنی و دهلران برگزار شده است. بازنشستگان با خشم شعارهای اعتراضی شان را فریاد میزدند که "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "همسان سازی کامل، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "آموزش رایگان، حق فرزند ایران"، و "می میریم می میریم، ذلت نمی پذیریم". در این تجمعات بازنشستگان معترض بنهایی در دست داشتند و خواستههایی چون "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، و "آموزش رایگان" برجسته بود. در کرمانشاه بازنشستگان همچنین شعار میدادند: "میزنم فریاد، هرچه باداباد، وای از این طوفان وای از این بیداد".

همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیون تومانی، درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، از جمله خواستههای اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعاتشان است.

در این روز همچنین جمعی از کارگران پروژه ای پتروشیمی دهلران در اعتراض به تعطیلی این پروژه و بیکاری حدود ۲۰۰۰ کارگر مقابل فرمانداری شهرستان دهلران دست به تجمع زدند.

امروز همچنین مراسم خاکسپاری یکی از جانبختگان انقلاب، پیمان گلوانی، با حضور گسترده مردم خشمگین در مهیاد برگزار شد. در این مراسم مردم با سردادن شعارهایی چون "شهید نمی میرد" و "آزادی خون می خواهد، فرزند ترس می خواهد" یاد جوان جانبخته پیمان گلوانی را گرامی داشته و بر ادامه راه او تاکید کردند.

پیمان گلوانی، ۲۴ ساله اهل مهیاد بود که در تاریخ ۴ تیر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد و بر اثر شکنجه در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه بقتل رسید. بر اساس گزارشات مهابر اکبر پور دادستان جنایتکار مهیاد در گفت و گو با رسانه های حکومتی مرگ پیمان گلوانی را بر اثر "بیماری" اعلام کرده بود، اما تصاویر منتشر شده از وی حاکی از شدت شکنجه و خشونت به کار رفته علیه او است. حزب کمونیست کارگری نفرت و انزجار عمیق خود را علیه حکومت مرگ و شکنجه ابراز میکند و مراتب همدردی و تسلیت خود را با خانواده این عزیز و مردم مهیاد و همگان اعلام میکند. ننگ و نفرت بر حاکمان کثیف اسلامی!

خبر دیگر در مورد سپیده قلیان زندانی سیاسی شناخته شده و محبوب و صدور حکم دو سال حبس برای وی است. سپیده قلیان در اسفند ماه برای چند ساعت آزاد شد و سپس بعثت شعار علیه رهبر جمهوری اسلامی مجدداً بازداشت شد. علاوه بر دو سال حبس احکام دیگری چون منع عضویت در گروه های سیاسی - اجتماعی، منع استفاده از تلفن هوشمند و منع اقامت در تهران و استانهای همسایه به مدت دو سال برای او صادر شده است. سپیده قلیان همواره در زندان نیز صدای اعتراض زندانیان بوده است. سپیده باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد و پرونده امنیتی وی مسدود گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ تیر ۱۴۰۲، ۱۱ اوت ۲۰۲۳

**سپیده قلیان باید فوراً آزاد شود**



## توماج به بند عمومی رفت - کیوان جاوید



کار ما مردم در حمایت از توماج عزیزمان نیست. توماج به بند عمومی منتقل شده تا از آن سنگر جدید و در کنار هم بندی های دیگر خود در شکلی دیگر صدای رسای انقلابی باشد که می رود دودمان حکومت اسلامی را بر باد دهد.

حمایت داخلی و جهانی در دفاع از جان و زندگی توماج طی چند روز گذشته بی نظیر بود و راز پس گرفته شدن اتهامات سنگین و رفع خطر اعدام از سر پسر جهان درست همینجا است. جهان فرزند انقلاب زن زندگی آزادی را در آغوش خود گرفت و در برابر جانین محافظت کرد. سرنگونی حکومت اسلامی در راه است و با شکسته شدن در زندانها، توماج بر دوش مردم سرود آزادی خواهد خواند.

مندرج در ژورنال شماره ۴۶

رزا اعتماد انصاری، وکیل توماج خبر داده است در دادگاه بدوی موکلم به اتهام افساد فی الارض به شش سال و سه ماه حبس محکوم شده است. خانم انصاری می گوید: توماج از اتهامات توهین به "بنیانگذار انقلاب و رهبری" و ارتباط با دول متخاصم تبرئه شده است.

توماج بُرد، حکومت باخت. در این نبرد نابرابر که توماج در زندان شروع کرده است، یک طرف، همه حکومت اسلامی با همه شکنجه گران و جانین و آدمکشان ایستاده بودند و تمام نیروی اهریمنی خود را بکار بستند تا توماج، ملقب به پسر جهان را بشکنند. ۸ ماه انفرادی بدون دیدن حتی یک انسان شریف که به توماج بگوید آن بیرون چه خبر است. در تنهایی با بدنی مجروح شده از شکنجه های بسیار. اما توماج جامعه و مردم را می شناخت و میدانست که تنها نیست.

او در خیال خود میدید که هزاران انسان انقلابی، شریف و انساندوست در ایران و جهان نام او را فریاد می زنند و تصاویر او را بالای سر می گیرند.

حکومت آدمکشان اسلامی توماج را بعد از هشت ماه بازداشت در انفرادی در دادگاهی مسخره و فرمایشی به شش سال و سه ماه حبس محکوم کرد اما این پایان

## کمپین صد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی

شهلا دانشفر

با افزایش فشارهای امنیتی بر روی معلمان معترض و ادامه بازداشتها، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، کمپین صد هزار امضا با خواست آزادی معلمان زندانی و پایان دادن به پرونده سازی علیه معلمان معترض را اعلام کرده است.

تا کنون ۸۲۰۰ نفر به این کارزار پیوسته اند. این کمپین بعلاوه بر دو خواست "رفع اتهامات امنیتی علیه معلمان و برگزاری دادگاههای علنی با حضور هیات منصفه تاکید دارد و با استقبال معلمان روبرو شده و کانونهای صنفی معلمان از شهرهای مختلف اعلام همبستگی کرده اند.

این کمپین اقدامی اجتماعی علیه تشدید فشار امنیتی بر روی معلمان و سرکوبگری های حکومت است. در بیانیه کمپین به اعتراضات حق طلبانه دو دهه اخیر معلمان، سرکوبگری های حکومت در قبال این اعتراضات و پرونده سازی های امنیتی و دستگیرها اشاره شده است. یک مثال برخورد های امنیتی گسترده به اعتراضات معلمان در دهها شهر برای پیگیری مطالباتشان است. این بیانیه همچنین

به صدور احکام زندان سنگین، پرونده سازیها و صدور احکام اخراج، بازخریدی، بازنشستگی اجباری، و انفعال برای صدها معلم در سراسر ایران اشاره میکند. و بالاخره به شماری از معلمان زندانی با پرونده های امنیتی اشاره دارد و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها شده است.

معلمان با اعتراض به فقر، گرانی، تبعیض و اختلاسها و تاکید بر خواست



تحصیل رایگان برای همه کودکان، صدای اعتراض همه مردم هستند. شرط حمایت از "کمپین صد هزار امضا"، معلم بودن نیست. باید وسیعا از این کارزار پشتیبانی کرد. معلمان زندانی عبارتند از: اسماعیل عبدی، رسول بداتی، جعفر ابراهیمی، مهدی فتحی، هاشم خواستار، حسین رمضان پور، امید شاه محمدی و انوش عادل، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم زاده، محمود ملاکی، جواد لعل محمدی، زینب هم رنگ، مریم جلال حسینی، ناهید شیر پیشه و اصغر امیرزادگان. همچنین احضارها ادامه دارد و تعداد دیگری از معلمان احکام زندان گرفته و در خطر بازداشت هستند. معلمان با اعتراضات گسترده که دامنه اش به بیش از ۲۰۰ شهر کشیده شد، نقش مهمی در اعتراضات مردمی علیه فقر و بی تأمینی داشته اند. جمهوری اسلامی از سر بلند کردن دوباره اعتراضات معلمان، آنهم در فضای انقلابی جامعه وحشت دارد و با تشدید فشارهای امنیتی میکوشد مانع تحرکات اعتراضی آنان شود. معلمان همواره نقش پیشروی در اعتراض علیه سرکوبگری های حکومت و امنیتی کردن مبارزات داشته اند. در کنار کمپین صد هزار امضا، قدم موثر دیگر تجمعات اعتراضی سراسری علیه سرکوبها است. باید به تدارکش رفت. "کمپین صد هزار امضا" بستری برای تدارک چنین اعتراضاتی است. با قدرت اعتراضات سراسری میتوان در زندانها را گشود.

(برگرفته از ژورنال ۴۷۴)

## ۱۹ تیر: تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر



امروز ۱۹ تیرماه بازنشستگان مخابرات به روال دوشنبه های گذشته در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای تهران، شیراز، سنندج، کرمانشاه، مشهد، در مقابل ساختمانهای مخابرات در این شهرها برگزار شد.

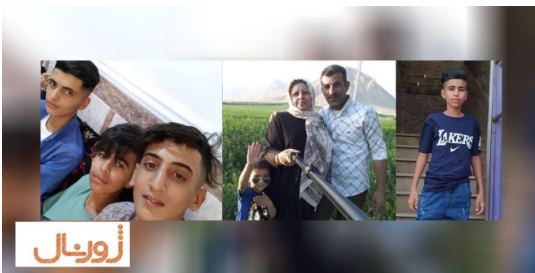
بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم هر روز همین بساط است"، "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "بازنشسته می میرد، تبعیض نمی پذیرد"، "بازنشسته بیدار است از وعده ها بیزار است"، "جیره ی غیر نقدی پرداخت باید گردد"، "هزینه ی درمانی واریز باید گردد".

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر و درمان رایگان دو خواست فوری و سراسری همه بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ تیر ۱۴۰۲، ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۳

## یک موج عظیم حمایتی تنها راه نجات عباس دریس - حسن صالحی



حالا دیگر عباس دریس را خیلی ها می شناسند. او تقریباً ۵۰ سال سن دارد. چهار سالی می شود که در ارتباط با خیزش های مردمی در سال ۹۸ در ماهشهر در زندان سپیدار اهواز است. او شاهد جنایت هولناک رژیم در نزارهای ماهشهر بوده است و حالا رژیم می خواهد با یک پرونده ساختگی او را اعدام کند.

عباس کارگر اداره برق شهرک ممکو (از توابع ماهشهر) بوده است. البته مدتی اخراجش کردند ولی بعد از چند ماه دوباره به سر کار بازگشت. سه فرزند پسر دارد: علی ۱۶ سال، مهدی ۱۲ و محمد ۸ سال. عباس علاوه بر شغل اصلی اش دستفروشی هم می کرد تا از پس هزینه های سنگین زندگی برآید.

وقتی وکیل عباس دریس اطلاع داد که دیوان عالی جمهوری اسلامی با وجود اشکالات فراوان حقوقی در پرونده وی حکم اعدام عباس را تایید کرده است خیلی ها برای نجات او به حرکت در آمدند. قبل از هر چیز خود اعضای این خانواده از مردم جهان برای نجات عباس طلب کمک کردند. متأسفانه صدور حکم اعدام علیه عباس چنان شوکی به خانواده وی وارد آورد که منجر به سکتة مغزی کفایه حزباوی همسر دلبنده عباس دریس و نهایتاً مرگ وی شد.

با این حال این خانواده زحمتکش به تلاشهای خود برای نجات عباس ادامه دادند. مادر پیر او که نایبناست یک ویدئو منتشر کرد و از همه خواست که کمک کنند تا فرزندش، عباس دریس، اعدام نشود. علی پسر بزرگتر عباس، که حالا پس از مرگ مادر مسیولیت دو برادر کوچکتر خود را برعهده دارد، در یک نامه به مردم مهربان دنیا از آنها درخواست کمک کرد تا پدرش به خانه بازگردد.

به این درخواست های کمک، هیچ انسان با وجدان و شریفی نمی تواند پشت کند و

تبعاً در مقابل خود وظیفه ای قرار می دهد. وظیفه ما این است که همه نیروی مان را بکار گیریم که از اعدام عباس جلوگیری کنیم و او را به آغوش فرزندان و خانواده اش بازگردانیم. چگونه به این وظیفه خود عمل کنیم؟ در همه جا صدای عباس دریس باشیم و با انتشار تصویر او یا ویدئوهایی در حمایت از او خواهان لغو فوری حکم اعدام وی و رفع اتهام از عباس دریس شویم. در هر شهری که می توانیم و با هر تعداد که هستیم برای نجات عباس دریس تجمع و حرکت اعتراضی برپا کنیم. نامه های اعضای خانواده وی را وسیعاً پخش کنیم و به زبانهای مختلف دنیا انتشار دهیم. بر در و دیوار شهر نام او و خواست آزادی عباس دریس را بنویسیم. نهادها و تشکل های کارگری و مردمی با صدور بیانیه های گوناگون خواهان لغو حکم اعدام وی شوند. در شبکه اجتماعی و بویژه توییتر توفان توییتری راه بیاندازیم. جا دارد که خانواده های دادخواه نیز به کمک این خانواده دردمند و نیازمند بشتابند. برای خانواده های عباس دریس و بویژه فرزندان و مادرش پیامهای محبت آمیز همبستگی ارسال کنید تا خود را تنها احساس نکنند.

ماموریت نجات عباس دریس بهیچوجه ماموریتی غیرممکن نیست. ما این کار را قبلاً برای چند تن از معترضین آبان ۹۸ که به اعدام محکوم شده بودند، انجام داده ایم و اینبار هم می توانیم. قدرت جمهوری اسلامی پوشالی است. قدرت واقعی و موثر نزد ما مردم متحد است که می تواند اعجاز کند. شک نداشته باشیم که یک موج عظیم انسانی حمایتی از عباس دریس می تواند وی را از خطر اعدام نجات دهد و زمینه های آزادی وی را فراهم آورد. عباس دریس و زندگی اش گویای ظلم بی حد و حصری است که رژیم اسلامی علیه مردم ایران روا می دارد. کارزار نجات وی را به کارزاری برای ریشه کن کردن ستمگری های این رژیم تبدیل کنیم. (برگرفته از ژورنال شماره ۴۷۳)

<b>ماهواره یوتلست</b>	<b>ماهواره یوتلست</b>	<b>KANAL JADID</b> <b>کانال جدید</b>
فرکانس، ۱۱۷۶۶	فرکانس، ۱۱۳۸۷	
پولاریزاسیون، عمودی	پولاریزاسیون، عمودی	<b>پخش زنده آنلاین:</b>
سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰	سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰	<b>پخش زنده</b>
اف ای سی، ۷/۸	اف ای سی، ۵/۶	<a href="http://newchannel.tv/live/tv">newchannel.tv/live/tv</a>
<b>www.newchannel.tv</b>		فرکانس های
<b>nctv.tamas@gmail.com</b>		<b>تلویزیون کانال جدید</b>
		در ماهواره های:

## عباس دریس کارگری که در خطر اعدام است



عباس دریس یک کارگر زندانی است که از سال ۹۸ و در جریان اعتراضات مردمی در جراحی همراه با برادرش محسن بازداشت شد.

او در یک پرونده سازی دروغین با اتهامات "محاربه، اخلاف در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو" روبرو گشت و زیر شکنجه مجبور به اعتراف علیه خود و قبول این اتهامات کاذب شد که در نتیجه به اعدام محکوم گردید و اکنون دیوان عالی نیز این حکم را تایید کرده است.

عباس دریس از جمله مردم معترضی بود که با حمله نیروهای سرکوب حکومت به نزارهای ماهشهر پناه برده بود و در آنجا شاهد به رگبار بستن مردم توسط نیروهای سرکوب حکومت بود. بعداً در در بیستم آذر ماه ۹۸ محمود واعظی رئیس دفتر حسن روحانی، زیر فشار اعتراضات جامعه و بازتاب جهانی، این کشتار را تایید کرد.

عباس دریس کارگر اداره برق در شهرک ممکو بود که بعد از بیست سال کار، دستفروشی هم میکرد. او فقط یک کارگر معترض بود، مثل هر کدام از ما مردم که هر روزه بخاطر وضع بد معیشتی خود در اعتراضیم و با شعار زن زندگی آزادی به خیابان آمدیم تا به این همه بدبختی و فلاکت پایان دهیم.

آنچه بر سر عباس دریس آمده میتواند بر سر هر کدام از ما مردم که حق و حقوقمان را طلب میکنیم بیاید، نباید ساکت بمانیم.

فرزند او علی دریس طی نامه ای از همه جهانیان خواستار حمایت و پشتیبانی برای لغو حکم اعدام پدرش شده است. علی فرزند همه ما کارگران است.

محکم و استوار به فراخوان او پاسخ دهیم و کنار این خانواده برای لغو حکم اعدام عباس دریس و بازگشت او به نزد فرزندانش تلاش کنیم. علی دریس در نامه اش همگان را خطاب قرار داده و مینویسد:

"مردم مهربان دنیا! من علی دریس بزرگترین فرزند عباس و کفایه هستم. متأسفانه مادرم با شنیدن خیر احتمال محکوم شدن پدرم به اعدام، سخته کرد و ما را تنها گذاشت. اکنون پدرم در خطر اعدام شدن هست، من و برادرانم مهدی دوازده ساله و محمد که هشت سال دارد، می‌پرسیم آیا این دنیا آنقدر بیرحم است که نگاه کند ما پدرمان را هم از دست بدهیم؟ ما سه کودک از همه سازمانها، دولت‌ها و مردم مهربان دنیا و حتی کودکان در دنیا می‌خواهیم کمک کنند پدرم اعدام نشود. این خیلی وحشتناک است، کمک کنید پدرم به خانه برگردد. علی دریس ۱۶ ساله".

علی دریس یک کودک کار است که بخاطر تامین مخارج دو برادر کوچکش ناگزیر به

ترک تحصیل شده است. نامه او نفس را در سینه حبس میکند.

سه فرزند عباس دریس نزد مادر بزرگشان هستند و علی دریس در نامه بعدی خود مینویسد که مادر بزرگشان نابینا است و آنها بخاطر دوری راه نتوانسته اند به مزار مادرشان در اهواز بروند و یا ملاقاتی هم با پدرشان داشته باشند.

علی دریس و دو فرزند کوچکتر عباس دریس فرزندان ما کارگرانند، از آنها حمایت کنیم. حکم اعدام عباس دریس باید لغو و او فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

وظیفه ما کارگران و ما مردم است که به نجات جان عباس دریس و همه انسانهای معترضی که در زندانند بشتابیم. تمامی زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

اعدام قتل حکومتی است و باید ممنوع شود. به زندان و شکنجه و اعتراف گیری اجباری و پرونده سازی های امنیتی باید پایان داده شود. ما همه عباس دریس هستیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۲۴ تیر ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

فجاج ادامه پیدا کند. اینان حتی به قوانین مصوب خود عمل نمیکند. برای مثال در ماده ۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا به صراحت گفته شده در شرایط اضطراری و به دلیل کیفیت خاص جوی از جمله دمای بالا که سلامت انسان را به خطر می اندازد کار باید تعطیل شود.

نباید بگذاریم این فجاج تکرار شود. در روزهای حاد و سوران باید کار با پرداخت حقوق تعطیل شود.

در عین حال در روزهای عادی تر ساعات کار کوتاه تر شود. همچنین خوابگاهها باید به وسایل سرمایشی مناسب مجهز گردند و شمار کارگران ساکن در اطاق ها کاهش یابد و بهداشت کمپ ها در حد قابل قبول بهبود پیدا کند. ما این خواستها را بارها فریاد زده ایم و هر بار که سببه پر زور بود وعده هایی داده شد و بعد عملی نشده است. باید اولتیماتوم ما این باشد که اگر اقدامی سریع صورت نگیرد و شرایط کاری ما بهبود پیدا نکند دست از کار خواهیم کشید. ما برده نیستیم و بر روی خواستههایمان ایستاده ایم. اخطار میدهیم به حرف و اعتراض ما گوش کنید.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت،

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

## گرمای تابستان و جهنم عسلویه

### اخطار ما به پیمانکاران مفتخور: صدای اعتراض ما را بشنوید

کارگر پیمانی نفت در جهنم عسلویه هستیم. در این گرما و هوای شرعی که زنده ماندن دشوار است، از ما مانند بردگان زمان فراعنه کار می کشند و آخر سر هم حقوقی در کار نیست. زندگی در یک اطاق کوچک با نقرات بالا، غیر بهداشتی و بدون تجهیزات لازم سرمایشی و آب خنک و از طرفی کار در زیر گرمای خورشید سوزان همه را بی طاقت کرده است. در روزهایی که گرما شدت میگیرد ادارات را تعطیل اعلام میکنند اما ما کارگران باید از ساعت ۵ صبح تا هفت عصر در گرمای سوزان جان بکنیم و مرتب با دستمالی تر سر و صورت خود را آب بزینیم که از حال نرویم. و این داستان هر ساله است. به خاطر دارید که در سال گذشته در همین فصل گرما بیش از پانصد نفر از همکاران ما در پروژه های مختلف بخاطر گرمزدگی شدید راهی درمانگاهها شدند و متأسفانه چند نفر هم جان خود را از دست دادند. از جمله در ششم مرداد ماه بود که همکار عزیزمان "عبدالرزاق سیمریان" بر اثر شدت گرما و کار در محیط با رطوبت بالای ۹۰ درصد جان باخت. نباید بگذاریم این

## عباس دریس کارگر زندانی در خطر فوری اعدام قرار دارد



قدرتمند جلوی این جنایت را باید گرفت.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی سیاسی از تمام اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سطح جهان انتظار دارد که وسیعا از این کارزار حمایت کنند و بر جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا عباس دریس بدون قید و شرط آزاد شود. گفتنی است که در سال گذشته در جریان جنبش کفالت زندانیان سیاسی از سوی شخصیت های سیاسی جهانی، لوکاس هامر عضو پارلمان اتریش کفالت عباس دریس را برعهده گرفته بود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش کرد که با تایید حکم اعدام دریس خبر آنرا به تمامی نهادهای کارگری و انساندوست برساند. از جمله طی نامه ای لوکاس هامر وکیل سیاسی او را مطلع ساخت. در اعتراض به تایید حکم اعدام عباس دریس، لوکاس هامر با نصب عکس عباس دریس بر در سفارت جمهوری اسلامی در اتریش و بدست گرفتن عکس او، بر لغو حکم اعدام این کارگر زندانی تاکید کرد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند این کارزار را با قدرت در سطح جهان به جلو ببرد. عباریس دریس و همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ تیر ۱۴۰۲، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۳

shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>



کرخه و هفت تپه تجمع داشته و دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند. از خواستها و مبارزاتشان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ تیر ۱۴۰۲، ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۳

عباس دریس کارگری زندانی و از بازداشت شدگان سال ۹۸ است و خطر مرگ او را تهدید میکند. او شاهد زنده کشتار وحشیانه معترضین در نيزارهای ماهشهر و به رگبار بستن معترضین در آنجا در سال ۹۸ توسط نیروهای جنایتکار حکومت بوده است. او در جریان این درگیری به همراه برادرش محسن و شماری از معترضین دیگر ماهشهر وحشیانه تعرض قرار گرفته و دستگیر شدند. عباس با یک پرونده سازی کاذب با اتهاماتی همچون "محاربه، اختلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو" به اعدام محکوم گردید. اکنون دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم ظالمانه اعدام عباس را تأیید کرده است. و این بدان معناست که جمهوری اسلامی مصمم است او را اعدام کند. باید به نجات جان او شتافت. در این رابطه علی دریس فرزند بزرگ و شانزده ساله عباس دریس در نامه ای خطاب به جهانیان خواستار حمایت و پشتیبانی برای نجات جان پدرش شده است. علی دریس مینویسد: "مردم مهربان دنیا! من علی دریس بزرگترین فرزند عباس و کفایه هستم. متأسفانه مادرم با شنیدن خبر احتمال محکوم شدن پدرم به اعدام، سگته کرد و ما را تنها گذاشت. اکنون پدرم در خطر اعدام شدن هست، من و برادرانم مهدی دوازده ساله و محمد که هشت سال دارد، می پرسیم آیا این دنیا آنقدر بیرحم است که نگاه کند ما پدرمان را هم از دست بدهیم؟ ما سه کودک از همه سازمانها، دولت ها و مردم مهربان دنیا و حتی کودکان در دنیا می خواهیم کمک کنند پدرم اعدام نشود. این خیلی وحشتناک است، کمک کنید پدرم به خانه برگردد. علی دریس ۱۶ ساله". ما موظفیم به تقاضای این کودک پاسخ دهیم. بیایید فعالانه صدای عباس دریس و خانواده اش در سطح جهان شویم.

بعد از این نامه علی دریس از اینکه نامه او پخش و صدایش شنیده شد، ابراز تشکر میکند و از وضع خودش و خانواده اش میگوید. از این میگوید که بخاطر نیاز خانواده ناگزیر در کلاس یازده تحصیل را رها کرده و دو برادر کوچکترش نیز نتوانسته اند به مدرسه بروند و مادر بزرگش نیز پیر و نابینا است. او مینویسد که یکسال است به سر خاک مادرشان نرفته اند بخاطر اینکه مادرشان در اهواز به خاک سپرده شده است و به ملاقات پدرشان نیز نرفته اند. چون پدر قبول نکرده و گفته که اینجا جای خوبی نیست. نامه های علی دریس و سرنوشت خانواده عباس دریس یک تراژدی آشکار و گوشه ای از جنایات وحشیانه حکومت اسلامی در حق مردم این کشور است. با تمام قوا به نجات جان عباس دریس بشتابیم. عباس دریس حلقه اتصال خیزش آبان ۹۸ به انقلاب زن زندگی آزادی است. در سطح سراسری و با کارزاری

## تجمعات معلولین و بازنشستگان تامين اجتماعی در چندین شهر

امروز یکشنبه بیست و پنجم تیرماه شماری از افراد دارای معلولین در شهرهای اردبیل، کرمان و تهران در اعتراض به وضعیت اسفبار معیشتی، عدم اجرای پنج ساله قانون معلولان و عدم لحاظ حقوق افراد دارای معلولیت در برنامه توسعه هفتم کشور تجمع کردند. در این رابطه معلولین بارها تجمع اعتراضی داشته اند.

در این روز همانطور که قبلا گزارش کردیم شمار زیادی از بازنشستگان تامين اجتماعی در چندین شهر تهران، رشت، اهواز، شوش و کرمانشاه تجمع کردند. این تجمعات در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان از جمله اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی و درمان رایگان برگزار شده است. در تهران بازنشستگان تامين اجتماعی در مقابل مجلس تجمع کردند و با شعارهای "گرانی تورم بلای جان مردم" و "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" به وضعیت معیشتی خود اعتراض کردند. در کرمانشاه بازنشستگان تامين اجتماعی و کشوری با هم تجمع داشتند و در شوش بازنشستگان از شهرهای شوش،

## اخباری از دستگیری ها و همبستگی ها



- کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (European trade unions confederation) که ۴۵ میلیون کارگر را در ۸۹ کنفدراسیون اتحادیه ای و ۱۰ فدراسیون در ۳۹ کشور اروپا نمایندگی میکند، طی دو پیام جداگانه حمایت خود را از نسرین جوادی کارگر بازنشسته و جعفر ابراهیمی از معلمان زندانی اعلام کرد. در پیام این کنفدراسیون در رابطه با نسرین جوادی چنین آمده است: "نسرین جوادی این زن مدافع حقوق انسانی، در زمینه حقوق کارگری و بازنشستگان فعالیت می کند. او در حال تحمل حکم ۵ سال حبس در زندان اوین است. نسرین با بیماری های متعددی دست و پنجه نرم می کند اما از درمان پزشکی در بیمارستان محروم شده است. ما خواستار آزادی و مرخصی درمانی او هستیم."

این کنفدراسیون در پیام خود در رابطه با جعفر ابراهیمی مینویسد: "جعفر ابراهیمی معلم، مدافع حقوق بشر و بازرس کانون صنفی معلمان است. جعفر در جریان یورش به منزلش با خشونت دستگیر شد. اتهام او "تبلیغ علیه نظام" عنوان شده و به بیش از ۴ سال زندان محکوم شده است. او باید فوراً آزاد شود."

- بامداد روز چهارشنبه ۲۱ تیر ریوار عبداللهی فعال کارگری در نزدیکی "حسین آباد" از توابع دیواندره توسط نیروهای امنیتی شهر سنندج دستگیر شده و به مکان نامعلومی منتقل شد. صدیق ریحانی کارگر نانوايي و یکی دیگر از فعالین کارگری در شهر سنندج است که او نیز از هفته گذشته توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت شده و اطلاعی از او در دست نیست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) این آدم ربایی آشکار را محکوم کرده و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط ریوار عبداللهی و صدیق ریحانی تاکید میکند. در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی در وحشت از برآمد دوباره خیزشها آنهم در شهر سنندج که یک کانون داغ اعتراضات مردمی است، بر احضار ها و دستگیری هایش در این شهر و در کردستان شدت داده است.

- بنا بر خبرهای منتشر شده جلسه دادگاه رفیق سلیمی از فعالین کارگری سنندج روز یکشنبه ۲۵ تیر برگزار میشود. او از هفتم آذرماه ۱۴۰۱ بازداشت شد و در زندان مرکزی سنندج زندانی است. رفیق سلیمی در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ به

دادگاه احضار شد و توسط دادستان حکومتی بنام نقی زاده به اتهام "ایجاد گروه های غیر قانونی و اقدام علیه امنیت ملی کشور" به مفسد فی الارض تهمین اتهام شد. تمامی اتهامات ذکر شده را رفیق سلیمی رد کرده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی پرونده سازی علیه فعالین کارگری و مردم معترض را شدیداً محکوم کرده و بر آزادی فوری رفیق سلیمی تاکید دارد.

- طبق اخبار منتشر شده هاشم خواستار معلم بازنشسته و از زندانیان سیاسی در زندان وکیل آباد مشهد، از سوی دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به اتهام توهین به خامنه‌ای و تبلیغ علیه نظام با پرونده جدیدی به ۲ سال و ۶ ماه زندان دیگر محکوم شده است. هاشم خواستار روز ۲۰ مرداد ۱۳۹۸ بازداشت و سپس در شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی منصوری به ۱۶ سال زندان، ۳ سال تبعید و ۳ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر عیناً تایید گردید. با اتحاد و همبستگی سراسری و جهانی میتوانیم حکومت زندان و شکنجه و اعدام را عقب برانیم.

<https://free-them-now.com/>

۲۱ تیر ۱۴۰۲، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

## محکومیت سارا سیاهپور عضو کانون صنفی معلمان به شش سال زندان



یک کارزار مهم معلمان کارزار برای آزادی همه معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است.

فری دم ناو (FTN) کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند که صدای معلمان در سطح جهان باشد. حکم صادره برای سارا سیاهپور یک

حکم ضد انسانی و سرکوبگرانه است و باید لغو گردد. تمامی احکام امنیتی برای فعالین سیاسی باید لغو شود. راه پایان دادن به سرکوبگریها و پرونده سازیهای امنیتی حکومت اعتراضات سراسری است. با قدرت اعتراضات خود و فشار برگرد حکومت منفور و سرکوبگر میتوانیم در زندانها را باز کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

۲۱ تیر ۱۴۰۲، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۳

گزارشات حاکی از اینست که حکم شش سال زندان برای سارا سیاهپور، معلم و عضو کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و فعال در استان البرز از سوی دادگاه تجدید نظر اسلامی تایید شده و به شعبه یک اجرای احکام زندان ارسال گردیده است.

سارا سیاهپور به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" به پنج سال حبس و از بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس، محکوم شده است. او همچنین به دو سال ممنوع الخروجی از کشور، دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب، گروهها و دستهجات سیاسی، و فعالیت در فضای مجازی محکوم گردیده است. سارا سیاهپور

در شهریور ۱۴۰۱ توسط نیروهای اطلاعات "سپاه ثارالله" بازداشت و سپس با قید وثیقه و به صورت موقت آزاد شد. پیشتر اندی فیلمور، سیاستمدار و عضو پارلمان کانادا، کفالت سیاسی سارا سیاهپور را بر عهده گرفته بود. این سیاستمدار دادگاه این معلم را "یک دادگاه ساختگی" خواند.

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

## صدای اعتراض کارگران پشتیبانی، شرکتهای پیمانکاری



همکاران!

دستمزدهای تحقیر آمیز و حداقلی، گرانی هرروزه قیمت اجناس و بدتر شدن وضعیت معیشتی ما و همه مردم، شرایط وخیم کاری و... از جمله مشکلات ما است که بخاطرش اعتراض داشته ایم.

مگر نه اینکه خودشان در همین روزها خط فقر را ۳۰ میلیون تومان اعلام کرده اند؟ به همین ترتیب ما خواستار رسیدگی فوری و تعیین مزدمناسب با افزایش رشد روزانه قیمت اجناس هستیم.

ما میبایست از ساعت استراحت تعریف شده و متناسب با موقعیت کاریمان برخوردار باشیم و خواست ما اجرای فوری طرح ۱۴ روز استراحت در ازای ۱۴ روز کار است.

ما میبایست با اعتراض خود صاحبان کار را وادار کنیم تا شرایط ایمن محیط کار، بهداشت اماکن عمومی و حتی سرویس های بهداشتی و... مناسب را در شرایط ضمن کار برایمان ایجاد نموده، درمانگاه های با استاندارد لازم و درمان رایگان به ما کارگران تعلق گیرد و به بهبود وضعیت خوابگاههای ما رسیدگی گردد.

اینها خواسته های اولیه برای حیات و زندگی معمولی ما هستند که با موقعیتی که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) برایمان ایجاد نموده است، قرار و مدارهایمان را گذاشته، رسا و متحد التیماتوم میدهیم؛ چنانچه در اسرع وقت به این خواسته ها پاسخ داده نشود با پیوند مان در اعتصابات کارگری نفت روبرو خواهید شد.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)  
۱۹ تیرماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



**به حزب کمونیست  
کارگری پیوندید!**

تلگرام: @wpi\_tamas  
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲  
tamas.wpi@gmail.com

«ما هم مانند سایر ارکان شاغل در حوزه های نفت و گاز، در شرایط سخت کاری، آب و هوای بد و آلوده در مناطق دور افتاده مشغول به کاریم، هیچ نهاد و ارگانی به مشکلات صنفی و معیشتی ما رسیدگی نمیکند، مورد تبعیض و ظلم و ستم و استثمار پیمانکاریم، از بی حقوقی و بی تامینی و فقر و فلاکت و محرومیت و پاسخهای سربالا و سرکوب حراست خسته شده ایم. پیمانکاران مفتخور به پشت گرمی و زد و بند هرروزه که با مدیریت فاسد نفت و گاز ناظر بر اجرای پیمان نامه های اجرایی «دارند، به هر شکل ممکن بساط دزدی و چپاول را رقم زده، از هیچ تلاشی برای سود حداکثری حاصل از پیمانهای پروژه ای دریغ نمیکنند.

**تکاپوی هماهنگ از بالا، به بهای زندگی و معیشت کارگر.**

در میان ارکان مختلف صنعت نفت، بدون تردید کارگران پشتیبانی تحت قرارداد پیمانکاران مانند: نیروهای اداری، ایمنی پیمانکاران، تدارکات و انباردارها، رانندگان، خدمات، کمپ پاسها و آبدارچی ها محرومترین بخش تمامی ارکان شاغل در پروژه های نفت هستند که به دلیل هویت تعریف نشده شغلی شان در پیمان نامه ها و قوانین، متحمل بیشترین دست درازی پیمانکاران و بردگی مزدی اند. کارگرانی که از حداقل شرایط مناسب محیط کار و استراحت بی بهره اند و با وجود پرداخت حق بیمه از بسیاری مزایای قانون کار محروم.

با وجود اشتغال در پروژه های دور افتاده، شرایط آب و هوایی و کاری طاقت فرسا و آلوده، نه از بیمه های تکمیلی بهره میبرند و نه مشمول طرحهای حداقلی مصوب مانند طرحهای همسان سازی یا طرح طبقه بندی مشاغل هستند. پیمانکاران از سر و ته حقوق و مزایای دریافتی شان به راحتی میزنند، با سوء استفاده از قوانین قابل تحریف، معیشت و منزلتشان را به بازی گرفته به استثمارشان میکشند.

حراست سرکوب گر و امنیتی نفت، به مطالبات و امور صنفی این کارگران رسیدگی نمیکند، تنها نقشش این است که با اهرم زور و فشار منافع پیمانکاران مفتخور را تضمین نماید.

جوابهای سر بالای مراجع قانونی از یک سو و بی تفاوتی به اصطلاح نمایندگان اتحادیه صنفی کارگران حوزه های نفت و گاز از سوی دیگر اعتراض این بخش از کارگران زحمتکش و مورد ستم را سبب گشته است. پاسخ ما به همکاران زحمتکش و تحت ستممان در پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری؛

همه ما میدانیم و تجربه اش را داریم که پیمانکاران، این عوامل انگلی سیستم سرمایه داری، هرگز شکمشان سیر نمیشود و هرروزه در اندیشه چپاول ما کارگران هستند.

قوانین و فضای امنیتی را که در محیط های کار ما ایجاد میکنند همگی در خدمت پیمانکاران است برای استثمار بیشتر ما کارگران و سود اندونزی سرمایه داران مفتخور. پاسخ ما کارگران، اتحاد مبارزاتی است. پاسخ ما دفاع از معیشت و زندگیمان است، در برابر تعرض هرروزه سرمایه داران و پیمانکاران مفتخور. بنابراین؛ باید متشکل باشیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) با این هدف تشکیل شده که طرف این اتحاد باشد. بستری برای اتحاد و همبستگی میان همکاران در بخشهای پشتیبانی، کارگران ارکان ثالثی، کارگران فصلی (اورهالی) و کل کارگران غیر رسمی و تحت ستم پیمانکاران مفتخور حوزه های نفت.

از این طریق میتوانیم در مورد خواستها و اعتراضاتمان هم نظری کنیم و برای گرفتن حق و حقوقمان به اتحاد و همبستگی دست یابیم.